



عکس: علی محمدی / ایران

رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت:

اظهارنظرهای بی‌موقع جو بازار ارز را متشنج می‌کند

همه فعالان اقتصادی و نظریه‌پردازان باید این ملاحظه را داشته باشند که حتی یک اظهارنظر بی‌موقع، جو بازار ارز را متشنج می‌کند

بازار ارز

نرخ ارز در اقتصاد ایران به یک متغیر کلیدی تبدیل شده و انتظارات و کیفیت عوامل اقتصادی تحت‌تأثیر نرخ ارز است. در شرایط موجود، نوسانات نرخ ارز اقتصاد کشور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، بنابراین تثبیت ارزی باعث ثبات اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار برای فعالان اقتصادی خواهد شد. بانک مرکزی از اواخر سال ۱۴۰۱ برای بازگشت ثبات به اقتصاد کشور سیاست تثبیت را در پیش گرفت. در این سیاست اقداماتی همچون راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا و تلاش برای تأمین تمام نیازهای واقعی ارز به صورت رسمی، اهتمام به بازگشت ارزهای حاصل از صادرات، مداخله هوشمند در مواقع لزوم در بازار و تلاش برای آزادسازی ارزهای بلوکه شده در خارج از کشور انجام شد و در سایه این اقدامات، بانک مرکزی توانسته است در این بازه زمانی نرخ ارز در یک روند باثبات کنترل کند که هرچند اتفاقات و حواشی سیاسی پرشمار اخیر نوسانات مقطعی را در بازار ارز به وجود آورد، اما هر بار با حضور فعالان بازارساز، آرامش به بازار بازگشت و نرخ ارز در روند باثبات خود به حرکت ادامه داد. در همین زمینه با حمید صافدل، رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

مؤثرترین اقدام این است که از تصمیمات لحظه‌ای، آتی و بدون پیش‌آگاهی خودداری کند و هر گونه تصمیمی برای فعالان اقتصادی باید مبتنی بر امکان انتخاب و پیش‌بینی باشد. اگر اقتصاد از حالت انتخاب و پیش‌بینی خارج شود، ریسک را افزایش می‌دهد.

در شرایطی که نرخ ارز بالا یا پایین باشد، امکان فعالیت وجود دارد، اما اینکه در یک دوره کوتاه نوسان داشته و قابلیت

پیش‌بینی وجود نداشته باشد، نه برای دولت و نه فعالان اقتصادی خوب نیست.

بسیاری از اقتصاددان‌ها علاوه بر عوامل سیاسی تأثیرگذار بر بازار ارز، هیجانات و جنگ روانی را در نوسانات نرخ ارز دخیل می‌دانند. نظر شما در این خصوص چیست؟

همواره بخشی از اقتصاد ایران متأثر از شرایط سیاسی است؛ اینکه چه اتفاقاتی در کشورهای همسایه یا در اثر نفوذ گروه‌های سیاسی حتی بیرون از ایران رخ می‌دهد. تحلیل بازار این است که این مسأله در اقتصاد ایران اثرگذار است و بازار خیلی زود بر اساس تحلیلی که دیگران ارائه می‌دهند، تأثیر می‌پذیرد. به همین دلیل همه فعالان اقتصادی و نظریه‌پردازان باید این ملاحظه را داشته باشند که حتی یک اظهارنظر بی‌موقع،

بانک مرکزی چطور می‌تواند کنترل هیجانات در بازار ارز را انجام دهد؟

بانک مرکزی باید اقتدار خود را در سیاست‌های ارزی حفظ کند. ممکن است سیاست‌های تجاری و مالی ما به شکلی اتخاذ شود که روی ارز تأثیر بگذارد، اما اینجا باید بانک مرکزی به عنوان اصلی‌ترین عامل سیاست‌گذار ارزی اقتدارش را حفظ کرده و از اتخاذ رویه‌هایی توسط دستگاه‌ها که منجر به افزایش نرخ ارز می‌شود، جلوگیری کند. در مقطعی ممکن است دستگاهی

● **بانک مرکزی به عنوان اصلی‌ترین عامل سیاست‌گذار ارزی، اقتدارش را حفظ کرده و از اتخاذ رویه‌هایی توسط دستگاه‌ها که منجر به افزایش نرخ ارز می‌شود، جلوگیری کند**

● **باید محوریت بانک مرکزی را در سیاست‌های ارزی و پولی بپذیریم و هر گونه تصمیمی با ملاحظه سیاست‌های پولی و ارزی که بانک مرکزی اتخاذ می‌کند، همراه باشد**

تصمیم بگیرد جلوی صادرات یا واردات را بگیرد و بر اساس سیاستی، به بخشی از واردکنندگان ارز بدهد. هر گونه تصمیم چالشی دستگاه‌ها و گروه‌های مختلف که تأمین‌کننده بخشی از ارز کشور هستند، مانند پتروشیمی‌ها را بانک مرکزی باید رصد و جلوی آن را بگیرد.

● **نقش رسانه‌ها در دامن زدن یا کنترل انتظارات چقدر است؟** رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. متأسفانه برخی از رسانه‌های ما بدشان نمی‌آید به عنوان رسانه اپوزیسیون و چالشی تلقی شوند، به همین دلیل مطلبی را تحلیل می‌کنند، اگر نشد که هیچ، اما اگر شد، در کارنامه‌شان بارها برای پیش‌بینی اتفاقات تکرار می‌کنند. این کاری به دور از اخلاق و منافع ملی است.

● **از نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی اقتصاد ایران نام برده می‌شود و بسیاری معتقدند نوسانات نرخ ارز به سرعت در اقتصاد ما اثر می‌گذارد. چرا تا این میزان اقتصاد ما به نرخ ارز حساس شده و نقش تحریم‌ها در این میان چقدر بوده است؟**

این به بی‌اعتمادی‌هایی که بین مردم ایجاد شده است برمی‌گردد. مردم سال‌هاست اقتصاد را به شکل دلاریزه پذیرفته‌اند.

مردم با سیاست‌های ارزی و گزارش‌های حرفه‌ای که از بانک مرکزی و دستگاه‌های مختلف بیرون می‌آید خیلی کاری ندارند و واقعی بودن نرخ تورم را بر اساس تأمین کالای مورد نیازشان می‌دانند. مثلاً در استان خوزستان گولر گازی یا در کل کشور، خودرو به عنوان یک شاخص نرخ تورم شناخته شده یا در کف بازار، نرخ ارز و سکه شاخص تورم می‌شود. بعضی افراد نرخ این شاخص‌ها را به شکل غیرواقعی باثبات می‌کنیم. کل مجموعه نوسانات را رها کرده و دو، سه شاخص را با تزریق نقدینگی و کنترل سیاست‌های نظارتی متمرکز کنترل می‌کنیم و آدرس غلط می‌دهیم. اگر می‌خواهیم اینها را به صورت

واقعی باثبات کنیم، باید ترکیبی از سیاست‌های ارزی، تولیدی و تجاری این عرصه کنار هم باشند.

اکثر قصد داریم معافیتی در حوزه سیاست‌های مالی بدهیم، باید هماهنگ با سیاست‌های تولید، تجارت، ارزی و پولی کشور باشد. تا زمانی که این شاخص‌ها درست نشود، نگرانی برای مردم وجود دارد. زمانی که نوسان نرخ ارز رو به بالاست، به جای اینکه مردم از این بازار کنار بکشند، همه تحریک می‌شوند موجودی‌شان را تبدیل به ارز و سکه کنند. این ریشه در بی‌اعتمادی دارد که برای یکی، دو سال اخیر هم نیست و این بی‌اعتمادی در بدنه اقتصادی کشور مانده است. اول انقلاب اعلام کردند برای ساخت مسکن نیاز به نقدینگی است و مردم صف کشیدند که پول و طلا بدهند.

اینها همان مردم هستند که الان بی‌اعتماد شده‌اند و برای خرید سکه، طلا و ارز صف می‌کشند. اگر با سیاست‌های باثبات، نه با نرخ باثبات، جلوی بی‌اعتمادی و تغییرات لحظه‌ای گرفته شود، این اعتماد برمی‌گردد. مردم، رسانه و بنگاه‌ها می‌توانند کمک کنند و همه برای کسب منافع ملی نقش خودشان را داشته باشند.

● **آیا افزایش اقتدار بانک مرکزی در سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند بخشی از سرمایه اجتماعی از دست رفته را برگرداند؟**

اگر مجموعه‌های اقتصادی کشور هماهنگ باشند، بسیاری از اتفاقاتی که شاهد هستیم رخ نخواهد داد. به عنوان کسی که سال‌ها در بدنه دولت مسئولیت داشتم و اکنون در بخش خصوصی فعال هستم، از هر دو زاویه نگاه می‌کنم. ضرورت هماهنگی و همکاری بخش‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در حوزه دولتی احساس می‌شود. همچنین می‌توان از حوزه‌های مشاور مانند تشکل‌ها و اتاق بازرگانی استفاده بیشتری کرد تا چالش‌ها کاهش یابد. باید محوریت بانک مرکزی را در سیاست‌های ارزی و پولی بپذیریم و هر گونه تصمیمی با ملاحظه سیاست‌های پولی و ارزی که بانک مرکزی اتخاذ می‌کند، همراه باشد.

توضیح و پیشنهاد شما برای کنترل نوسانات نرخ ارز چیست؟

بیش

اگر مرکز مبادله ارز، تأمین‌کننده بموقع و بدون نوسان ارز مورد نیاز گروه‌های مختلف کالایی باشد، بسیاری از حواشی نوسان نرخ ارز از بین می‌رود. اگر واردکننده، از خود را خارج از سیستم مرکز مبادله تأمین کند و صادرکنندگان بزرگی مانند پتروشیمی‌ها و فرآورده‌های نفتی امکانی پیدا کنند که ارز خود را خارج از این سیستم ارائه دهند، نوسان نرخ ارز خواهیم داشت. بنابراین هماهنگی، همراهی و پذیرفتن سیاست‌های مرکز مبادله را باید رعایت کرد و از سوی دیگر تأمین بموقع ارز مورد نیاز انجام شود و دوران انتقال آن نیز مهم است.

می‌تواند موفق باشد که تا حدود زیادی تأثیرگذار بوده است.

● **در حوزه ارزی تلاش شد ضمن آرامش بخشی به بازار، سید ارزی کشور متنوع و وابستگی به دلار کاهش یابد، مانند اختصاص دینار در مراسم اربعین یا سال به جای دلار در این باره چه نظری دارید؟**

این گونه سیاست‌ها برنامه‌های خوبی است و بانک مرکزی باید با درایت سبب متنوعی از ارز کشورهای همسایه را در نظر بگیرد، با این حال باید این موضوع را نیز در نظر گرفت که کشورهای همسایه چقدر حاضرند به خاطر مرابده با ایران منافع خود را زیر سؤال ببرند. بانک مرکزی عراق بشدت تحت سیطره امریکایی‌های است، بانک مرکزی پاکستان نیز شرایط متفاوتی ندارد و منافع خود را بر تجارت و مرابده با ایران ترجیح می‌دهد. نکته دیگری که باید در نظر گرفت این است که همسایه‌های ما اولاً اقتصاد خیلی قوی‌ای ندارند، دوماً مایل نیستند به این فضا وارد شوند، زیرا به غیرشان است، چراکه مرادوات بسیار بیشتری از ایران با دیگر کشورها دارند. تا مسأله اصلی تحریم‌ها حل نشود، این سیاست‌ها نقش درمان مقطعی بانک مرکزی اگر هوشیارانه اقدام کند و این سیاست را جلو ببرد، سیاست کنترل ترازنامه بانک‌ها سیاست خوبی است و

می‌دهند، اما آنچه درباره سیاست تثبیت انجام شد در کلیت، اصول و مبانی درست بود. هر چه به سمت تکنرخی شدن ارز و بازار پیش برویم بهتر است، اما نیازمند ملزومات خاصی خواهد بود. حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و جایگزین کردن ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، تزریق مسکن برای اقتصاد ایران بود. انتطابق نرخ از منطق بر بازار، نیازمند ابزار است که یکی از این ابزارها ذخیره کافی ارز در خزانه کشور است تا زمانی که تعادل عرضه و تقاضا به هم می‌خورد، بانک مرکزی در نقش دولت به عنوان مولی وارد بازار شود و تعادل را برقرار کند. دولت از آنجایی که این امکان را ندارد، اقدامات آن نتیجه‌بخش و خیلی تأثیرگذار نیست. از مسائل مهم این است که منابع مالی را در اختیار داشته باشیم تا هر شرایط عادی آن را مدیریت کنیم.

● **اصلاح کل‌های پولی برای کنترل نرخ تورم چقدر مؤثر بود و اگر اقداماتی مانند کنترل نقدینگی و سیاست‌های اجرائی شد، بازار ارز چه وضعیتی داشت و همچنین تورم چطور؟**

بعید می‌دانم بازار ارز بیش از این متلاطم می‌شد و چند درصد نوسانات محتمل بود. جامعه دیگر کشش قیمت‌های بالاتر را در بازار ارز ندارد. افزایش هزینه‌های دولت در کنار کاهش درآمدها باعث شده سیاست‌گذاران بانک مرکزی با وجود دانش بالای خود نتوانند بیش از این تورم را کنترل کنند.

● **فعال سازی دیپلماسی بانکی را با کشورهای مختلف از جمله روسیه و حاشیه خلیج فارس دنبال کرد. نظر شما درباره این دست اقدامات چیست؟**

این اقدامات خیلی خوب است. دیپلماسی اقتصادی باید مهم‌ترین اصل باشد. حذف دلار از مبادلات ایران با برخی کشورهای می‌تواند به طور موقت به اقتصاد کشور کمک کند، با این حال امریکا بر کشورهای سیطره دارد و خیلی از آنها را تحت فشار قرار داده است که با ایران مرابده نداشته باشند. روسیه به دلیل تحریم‌ها تعامل خود را با ایران افزایش داده، اما بعد می‌دانم دلار در حداقل ۲۰ سال آینده از مبادلات جهانی حذف شود و سیطره دلار تا سال ۲۰۵۰ بر اقتصاد دنیا



عکس: ایران

عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان:

کنترل ترازنامه بانک‌ها ادامه یابد، تورم افت می‌کند

سیاست کنترل ترازنامه بانک‌ها برای کنترل تورم، اقدام خیلی خوبی بود که باید ادامه پیدا کند

بازار پول

یکی از برنامه‌هایی که بانک مرکزی در قالب سیاست تثبیت اقتصادی از ابتدای سال گذشته اجرایی ساخت، تمرکز بر کاهش رشد نقدینگی بود و در این زمینه سیاست‌گذار پولی در سال ۱۴۰۲ نرخ ۲۵ درصدی رشد نقدینگی را هدفگذاری کرد و در پایان سال توانست به عددی پایین‌تر یعنی ۲۴٫۳ درصد دست یابد. برای سال جاری نیز هدفگذاری بانک مرکزی نرخ ۲۳ درصدی با دامنه مثبت و منفی دو درصد اعلام شده است که نشان از تدوام تمرکز سیاست‌گذار بر برنامه کنترل نقدینگی دارد. ابزاری که بانک مرکزی برای دستیابی به نرخ رشد هدفگذاری شده در نظر گرفته، کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها بوده است که آمارها نشان از کارکرد این ابزار برای دستیابی به اهداف سیاست‌گذار دارد. در کنار آن بانک مرکزی با تعیین تکلیف بانک‌های ناتراز و انحلال سه بانک تلاش کرد نظام بانکی را منضبط‌تر از گذشته مدیریت کند که این برنامه نیز در سال جاری تداوم خواهد یافت. در همین زمینه با فریدین منصوری، عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

● **برخی اقدامات کلیدی و ویژه مانند سیاست تثبیت توسط بانک مرکزی در دوره فعالیت دولت سیزدهم انجام شد. دیدگاه شما درباره اجرای این گونه سیاست‌ها چیست؟**

ارزیابی عملکرد دولت و سیاست‌های اخیر نیازمند پیش‌فرض است که آن، تحریم‌ها علیه ایران است. تا زمانی که تحریم‌ها پابرجاست، بسیاری از سیاست‌ها کارایی خود را از دست

اقدام به تعیین تکلیف مؤسسات ناتراز و انجام انحلال ۳ مؤسسه در سال گذشته را چقدر در سالم سازی محیط بانکی مؤثر می‌دانید؟

بیش

تعیین تکلیف مؤسسات ناتراز و انحلال مؤسسات مالی که از زمان ریاست آقای سیف شروع شد، قطعاً مؤثر است و اقدام خیلی خوبی بود. مؤسسات ناتراز مالی و اعتباری یکی از مصیبت‌های اقتصاد ایران هستند، اما نکته‌ای دارد که از اختیارات بانک مرکزی خارج می‌شود و نیازمند همکاری سیستم قضایی است و این‌ها باید از خرابکاری این مؤسسات را به جای آنکه هزینه‌های رایر مؤسسان و صاحبانش تحمیل کنند، برعهده بانک‌های دیگر گذاشته‌اند. با این حال انحلال این مؤسسات به عنوان محل اقتصادی اقدام بسیار مؤثری بود. این سیاست اقدام خوبی است و امیدواریم ادامه داشته باشد تا به طور کامل مؤسسات مالی و اعتباری ناتراز جمع‌آوری شوند.

در شرایطی که نرخ ارز بالا یا پایین باشد، امکان فعالیت وجود دارد، اما اینکه در یک دوره کوتاه نوسان داشته باشد

و قابلیت پیش‌بینی نباشد، نه برای دولت و نه فعالان اقتصادی خوب نیست

تعیین تکلیف مؤسسات ناتراز و انحلال مؤسسات مالی قطعاً مؤثر است و اقدام خیلی خوبی بود